

انگلیسی‌ها در مسجد سلیمان

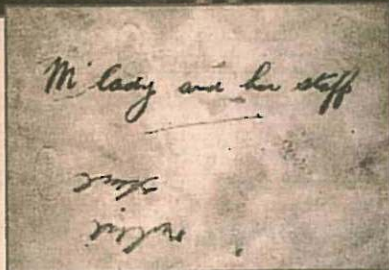
سیدمهدی دادرسی - اهواز

تصویری که پیش‌روی شماست مربوط است به دوره‌ی فعالیت شرکت‌های نفتی انگلستان در شهر «مسجد سلیمان» و بانویی انگلیسی را نشان می‌دهد که بر روی تابی نشسته است. چند کارگر و یا سرکارگر بختیاری هم در پس پشت او نمودار هستند. نفر دوم از سمت راست (که با لباس سفید و کراوات به‌خوبی قابل تمییز می‌باشد) یکی از پرسنل شرکت نفت به‌نام «سیدحسین ابراهیمی» متولد ۱۲۸۲ ه.ش. است که متأسفانه چندین سال از وفات ایشان می‌گذرد.

حدوداً پنج سال پیش این عکس را یافتم و منتهای کوشش را در حفظ آن به خرج دادم و به دفعات از پشت و روی آن تصاویر اسکن شده تهیه کردم تا عاقبت با مشاهده‌ی فراخوان ماهنامه‌ی حافظ انگیزه‌ی چاپ کردن آن در من تقویت شد و اینک در مقابل شماست. در پشت این عکس با حروف پیچی این عبارت انگلیسی نقش بسته است: My lady and her staff

(ترجمه‌ی فارسی: بانوی من و کارکنانش). لازم به تذکر است خطوطی که در زیر عبارت اصلی با رنگ سبز و آبی به‌چشم می‌خورد، متأسفانه به‌دست دارندگان عکس و به‌طریقی ناشیانه نگاشته شده و خوشبختانه به‌عبارت فوق لطمه‌ی وارد نکرده است. (با تشکر از جناب استاد «صالح حسینی» که در خواندن این عبارت مرا یاری فرمودند.)

هرچند که این تصویر چندان موضوعیت تاریخی ندارد و ممکن است نظایر چنین تصاویری، گوشه و کنار، در آلبوم‌های شخصی افراد محلی یافت شود، به‌گمان این حقیر، چشم‌فروستن بر کوچک‌ترین و جزئی‌ترین شواهد تاریخی، تنها گویای دور افتادگی تاریخ‌پژوه از متد علمی مطالعه‌ی تاریخ است؛ از همین‌رو خواهشمندم به چاپ کردن این عکس در ماهنامه‌ی وزین حافظ اقدام فرمایید.



«به‌عمل کار برآید به‌سختانی نیست» شود از سعی وطن آبادان این وطن مانده ز دارا و جم است مانده از خون سیاوش جوشان

وطن این زادگه رستم و گیو

وطن آرش و کیخسرو و نیو

پیشوا نام تو نقش دل ماست نقش در سینه‌ی مردان و زنان
«سعدیا مردنکو نام نمیرد هرگز» در وطن نام تو شد جاویدان

هرچه از قدر تو گفتیم کم است

قطره کی لایق دریا و یم است

نقش بر پرچم ایران نامت پرچم؛ کز کاوه‌ی آهنگر هست
پرچم؛ ای پرچم ایران عزیز ای که خورشید ترا زیور هست

بر فراز تو کشم نقش اله

نقش شمشیر علی شیرخدا

تاج‌جهان هست و جهان داری هست پرچم کاوه به ایران باشد
نقش اله کند روشن دل روشنای دل و ایمان باشد

باد ایران وطنم جاویدان

پرچمش تا به ابد پایندان

بایدا: نام مصدق به لوا که به ما درس وطن‌خواهی داد
درس آزادی و مردم‌داری دوری از تک‌روی و استبداد

به جوانان وطن عرضه نمود

آن‌چه از عشق وطن در او بود

دشمن از نام مصدق در بیم او نخواهد که ببیند جاهت
او بخواید که شود نام تو محو وای بر دشمن و بر بدخواهت

شب‌پره گرچه نخواهد نورش

کی تواند که بکاهد نورش

پیشوا! مام وطن در پیش است که برد طایر روح به سما
می‌برد روح تو تا خلد برین پیش مولا علی آن شیر خدا

روید از خاک تو صدها گل ناز

تربت عشق شود مهر نماز

فراخوان

در شماره‌های آینده‌ی حافظ، ویژه‌نامه‌هایی برای ابن‌سینا، ابوریحان، ابن‌یمین، مولانا، نظامی، جامی، اقبال لاهوری، ابراهیم پورداود، فریدون توللی و حسین منزوی در دست انتشار است. مقاله‌ها و اشعار خود را در این زمینه‌ها برایمان بفرستید.